

## جایگاه و حقوق زنان در آیین زرتشت<sup>۱</sup>

لعیا باقریان<sup>۲</sup>

### چکیده

بررسی جایگاه و حقوق زنان در ادیان و مذاهب گوناگون دارای اهمیت است. امروزه در داوری و ستایش از ادیان و مذاهب گوناگون به محتوای ادیان نظاره می شود و آن دینی که به صورت حداکثری در ارتقای جایگاه و حقوق زنان تلاش کرده است مورد تمجید و اقبال قرار می گیرد. یکی از آیین ها که پیرامون زنان به بیانات، احکام و دستورات پرداخته است، آیین زرتشت می باشد. بنابراین سوال این پژوهش آن است که «جایگاه و حقوق زنان در آیین زرتشت در چه سطحی قرار دارد؟» برای پاسخ به این پرسش باید متون زرتشتی مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

**واژگان کلیدی:** حقوق زنان، آیین زرتشت، ایران باستان، عهد ساسانیان.

---

<sup>۱</sup> - تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۵

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان، گروه ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

## مقدمه

عبارت «ایران باستان» مفهومی بسیار وسیع و پر دامنه است. با اینکه آغاز و پایان این دوره را نمی‌توان در زمان خاصی تحدید کرد و تعریف کامل و یکسانی برای آن وجود ندارد؛ اما با این حال «ایران باستان» گستره‌ای چندین هزار ساله در طول زمان و گستردگی‌ای میلیون‌ها کیلومتر مربعی در پهنه مکان را در بر می‌گیرد. پهنه‌ای که حتی در یک زمان واحد، قوم‌ها، باورها، شیوه‌های زندگانی، ادیان و حکومت‌های گوناگونی در آن بودوباش داشته‌اند. دستیابی به واقعیت‌های تاریخی و آگاهی از شیوه‌های زندگانی و باورهای مردمان با چنین عبارت‌هایی کلی (که گاه نتیجه نهایی آن نیز مثلاً با واژه «ارزشمند» در صورت مسئله می‌آید) ممکن نمی‌شود.

به این ترتیب و برای دستیابی به پاسخی شایسته، در آغاز ناچار و موظفیم که یا صورت مسئله خود را اصلاح کنیم و آنرا به یک دوره کوچکتری محدود سازیم و یا واژه «ارزشمند» را از آن کنار بگذاریم.

بی‌طرفی و واقع‌نگری در کار پژوهشی حکم می‌کند که یک صفت کلی و نتیجه‌گیری نهایی را به گونه یکسان برای همه مردمان یک کشور کهنسال و گسترده و پر تنوع بکار نبریم. این شیوه، علاوه بر دورماندن از دستیابی به واقعیت‌های تاریخی، موجب ضایع شدن حقوق مردان و زنانی هم می‌شود که بزرگترین رنج‌ها را از حاکمان مستبد و زورگوی زمان خود تحمل کرده‌اند. نسبت دادن جایگاه و حقوق شایسته و ارزشمند برای همگی زنان ایران باستان، نادیده انگاشتن و بی‌تفاوتی در برابر رنج‌های عمیق یک جامعه انسانی در دوره‌ای خاص است. این شیوه پژوهشی چه تفاوتی با این دارد که امروزه نیز حاکمان کشورهای بی‌حقوق انسانی پایمال می‌شود و زنان و مردان و جوانان و اندیشمندان در زندان‌ها و گورستان‌ها و محرومیت‌ها و مصیبت‌ها بسر می‌برند را جامعه‌ای مبتنی بر حقوق و آزادی‌های بشری بنامند؟ به هر روی باید جایگاه و حقوق زنان

در آیین زرتشت که عموماً در ایران مورد اقبال و مواجهه بود مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

زنان در دوران عیلامی و اشکانی (پارتی) تا اندازه‌ای به جایگاه‌های شایسته شأن خود دست می‌یابند. هر چند که این جایگاه به موقعیتی که او در دوران نوسنگی و مس (حدود ده هزار تا شش هزار سال پیش) داشت، نمی‌رسید.

اما آیا چنین دستاوردهایی در دین زرتشتی بنیاد یافته در دوره ساسانی نیز پایدار می‌ماند؟ منابع دینی زرتشتی و آثار مکتوب پهلوی چه پاسخی برای پرسش ما دارند؟ آگاهی‌های موجود در کتاب‌های دینکرد (به ویژه کتاب سوم)، ماتیگان هزار دادستان، اندرزهای آذرباد مهرسپندان، ارداویراف‌نامه، شایست‌نشایست، ودیوداد (وندیداد)، روایت امید اشته‌وهیشتان و بسیاری منابع دیگر، وضعیت اسفبار زن ساسانی (و عموماً مردمان آن زمان) را به روشنی گزارش می‌کنند. وضعیت ناگواری که محصول حاکمیت و قدرت بلامنازع و مهار نشده موبدان دین نوساخته زرتشتی بوده است که خود را نمایندگان تام‌الاختیار خداوند بر روی زمین می‌دانستند و با اتکالی به همین مشروعیت و با نام دین و خدا و پیامبر، پیروان تمامی ادیان و مذاهب غیر زرتشتی را به نام کافر و فساد کننده بر روی زمین کشتند و نیایشگاه‌های آنان را به نفع آتشکده‌های درباری ویران کردند و سوزاندند. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به کتیبه‌های سه‌گانه موبد کرتیر، موبد موبدان عصر ساسانی در نقش رستم، نقش رجب و سرمشهد. این کتیبه بارها به زبان‌های گوناگون و از جمله به فارسی ترجمه و منتشر شده است. برای آگاهی از حمله به نیایشگاه آنها در کنگاور و سوزاندن آن به عنوان نمونه‌ای از به آتش کشیدن نیایشگاه‌های غیرزرتشتی بنگرید به: کامبخش فرد، سیف‌الله، معبد آنهایتا- کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی، ۱۳۷۴، ص ۱۴).

آسیبی که از خشکاندیشی و خشونت‌های آنان به ایران‌زمین رسید، نه تنها موجب گسست فرهنگی و اجتماعی مردمان ایرانی و ضعف آنان در برابر نیروهای مهاجم بیگانه شد، بلکه بیش از هر چیز به آیین و اندیشه‌های پیامبر ایران، آسیب وارد ساخت.

به موجب متون زرتشتی ساسانی و به ویژه «ماتیگان هزار دادستان»، زنان اموال و مایملک مرد دانسته می‌شده و بهایی معین داشته‌اند. بهایی که معمولاً برابر با قیمت یک مرد برده، یعنی در حدود ۲۰۰۰ سکه نقره بوده است. این نکته همچنین از نخستین شواهد پیدایی برده‌داری در ایران عصر ساسانی حکایت می‌کند. (بنگرید به مدخل «برده و برده‌داری Barda Bardadari در دانشنامه ایرانیکا).

موبدان زرتشتی ساسانی همانند روحانیان بسیاری از ادیان، از دل‌نگرانی عمیقی نسبت به زنان رنج می‌برده‌اند و آنان زنان را عامل اصلی انحراف مرد از وظایف دینی می‌دانسته‌اند. شاید این نگرانی‌ها از آنجا ناشی می‌شده که زنان در برابر آنان مقاومت و سرسختی بیشتری نشان می‌داده‌اند. در کتاب پهلوی «بنددهش» چنین گزارش می‌شود که اورمزد از یافتن موجودی دیگر برای انجام زایمان ناتوان بود و از روی ناچاری زن را برای اینکار انتخاب کرد. زنی که حتی خداوند را نیز می‌رنجاند و از تبار «جِهی» (روسپی) دختر اهریمن است. به این ترتیب زنان نمی‌توانسته‌اند همچو مردان راهی به سرای اهورامزدا داشته باشند. (ر.ک: بنددهش، مهرداد بهار، بخش نهم، در باره چگونگی زنان).

همانگونه که در این کتاب زنان از تبار دیوان شرور دانسته شده‌اند، در «اندرزهای آذرباد مهرسپندان» موبد بزرگ عصر شاپور دوم (که هنوز هم در نیایش‌خوانی‌ها به فروهرش درود فرستاده می‌شود) از بی‌خردی و رازگشایی و اعتمادناپذیر بودن زنان سخن رفته است. (آذرباد مهرسپندان، رهام اشه، بخش‌های گوناگون).

### اعمال محدودیت‌ها برای زنان

متون فقهی زرتشتی، مقررات و دستورهای سختگیرانه فراوانی در باره اعمال و حرکات زنان دارند، به طوری که زنان حتی در کوچکترین و شخصی‌ترین کارهای روزمره خود حق تصمیم‌گیری نداشته‌اند. آنان به هنگام دشتان ماهانه موظف بوده‌اند تا در جایی زندان‌مانند و دور از همگان به نام «دشتانستان» اقامت کنند و از آن خارج نشوند و

نگاهشان به آتش نیفتد. از آنجا که زنان در این مدت سخت آلوده و خطرناک دانسته می‌شده‌اند، موظف بوده‌اند از ظرف‌های مخصوصی استفاده کنند و هیچ ارتباطی با دنیای خارج از دشتانستان نداشته باشند. زنان همچنین موظف بوده‌اند تا پس از پایان دشتان، دویست مور دانه‌کش را بکشند و خود را با پیشاب (ادرار) گاو نر شستشو دهند (گاه در برابر یک موبد مرد، چون زنان حق موبد شدن نداشته‌اند). چنانچه زنی در این مدت آهنگ شوهر خود را می‌کرد، سزایش «مرگ ارزانی / اعدام» بود. (ماتیگان هزار دادستان، آناهیتا پریخانیان، چاپ ایروان، به زبان‌های ارمنی، انگلیسی و روسی؛ همچنین بنگرید به بخش‌های گوناگون از متن اوستایی «ودیوداد / وندیداد.»)

### زندانی کردن زنان

زندانی کردن زنان به هنگام زائیدن طفل مرده نیز رایج بود. در این هنگام مزدپرستان زرتشتی می‌باید در جایی بی‌آب و علف، اتاقکی بسازند و زن را به آنجا ببرند. زن موظف بود در آن اتاقک چند جام از آمیخته پیشاب گاو نر با خاکستر را بنوشد در حالیکه تا سه روز حق نوشیدن آب را نداشته است. (وندیداد، در مجموعه اوستا، گزارش جلیل دوستخواه، ج ۲، ص ۷۱۳-۷۱۶).

### ممانعت از خروج زنان از منزل

آذرباد مهرسپندان در اندرزهای خود که تنها خطاب به مردان و نه زنان گفته شده است، سفارش می‌کند که تا جای ممکن مانع از رفتن زنان خود به بیرون از خانه شوند. اما چنانچه به ناچار زنان قصد خروج از خانه را داشته‌اند، موظف بوده‌اند با حجاب کامل و پوشش یکدست سر تا پا در انظار همگان ظاهر شوند و چنانچه کمترین آرایش و زیور خود را به دیگران نشان می‌داده‌اند، شایسته جهنم دانسته می‌شده‌اند. البته زنان اشراف در جامعه طبقاتی زرتشتی ساسانی از این قاعده و بسیاری قواعد دیگر معاف بوده‌اند. (بنگرید به بخش‌های گوناگون از کتاب ارداویراف‌نامه، فیلیپ ژینیو، ترجمه ژاله آموزگار.)

## ازدواج اجباری دختران

زندگی زناشویی زن نیز زیر نفوذ عمیق موبدان بود. دختر موظف بود در سن ۹ سالگی با شوهری که برایش انتخاب می‌کرده‌اند، ازدواج کند و اگر به مدتی طولانی از اینکار سرباز می‌زند و زندگی بدون شوهر را ترجیح می‌داد، سزاوار مرگ بود. مجازات مرگ همچنین برای زنی که به قهر شوهر خود را ترک گفته بود نیز در نظر گرفته می‌شد. (شاهنشاهی ساسانی، توج دریایی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ص ۱۷۳ تا ۱۷۵).

## زانو زدن زنان در مقابل شوهران

زنان می‌باید سه بار در روز در برابر شوهران خود زانو می‌زدند و می‌پرسیده‌اند که آقايش دوست دارد امروز چه کاری برایش انجام شود.

## ممنوعیت از تصرف در جهیزیه

زنان حق تقاضای طلاق و حق تصرف جهیزیه خود را نداشته‌اند. اما پس از طلاق حق گرفتن منافع مترتب بر اموال و جهیزیه خود را نداشته‌اند.

## تعدد زوجات برای اشراف

مردان طبقه اشراف می‌توانسته‌اند بدون محدودیت زنان متعدد بگیرند. به هر تعدادی که امکانات مالی نگهداری از آنان را داشته باشند.

## فروش و اجاره زنان

همچنین مردان می‌توانسته‌اند تا در صورت فقر و ناتوانی زن خود را بفروشند و یا در صورت ناباروری خود، آنان را برای مدتی معین در اختیار مرد دیگری بگذارند و در واقع اجاره دهند (جزئیات این معامله‌ها را در «ماتیگان هزار دادستان» بخوانید). دستوراتی شبیه

این در میان ادیان دیگر نیز دیده شده است، اما چنین به نظر می‌آید که مردم از این اجازه منفعت‌طلبانه موبدان استقبال نکرده و خشم آنان را برانگیخته‌اند.

متن پهلوی «ماتیگان هزار دادستان» اجازه و اختیار اجاره دادن زن را برای مرد به رسمیت شناخته است. مرد می‌تواند زن خود را به دفعات برای مدتی معین و در ازای دریافت وجه یا بدون آن به مرد دیگری واگذار کند. در چنین مواقعی رضایت داشتن یا نداشتن زن شرط نیست و فقط رضایت شوهر و مرد دوم کفایت می‌کند.

برخی دیگر از شرایط اجاره دادن زن چنین بوده که فرزندان احتمالی که به وجود می‌آمده‌اند، به شوهر زن تعلق داشته‌اند؛ اما تا زمانی که زن در خانه مرد دوم بوده، نگهداری و مخارج زن و فرزندان او به عهده همان مرد بوده است. چنانچه آن زن، کنیز (برده) اربابش بوده باشد، در اینصورت نیز صاحب کنیز می‌توانسته زن را به دفعات به مردان دیگر کرایه دهد. فرزندان حاصل از این اجاره دادن‌ها به ارباب تعلق داشتند و به عنوان برده به فروش می‌رسیدند. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: بارتلمه، کریستین، زن در حقوق ساسانی، ۱۳۴۴؛ و نیز بخش‌های گوناگون متن پهلوی «ماتیگان هزار دادستان»).

### ازدواج با محارم

ازدواج با محارم یا «خُویدوده» بدون در نظر داشتن رضایت یا نارضایتی زن، به گستردگی تبلیغ می‌شد. بطوریکه گناه مرد لواط‌کار تنها در صورتی پاک می‌شد که با مادر یا خواهر و یا دختر خود وصلت می‌کرد. (خرده مقالات، بیژن غیبی، چاپ آلمان، ص ۳۵۰).

با اینکه موضوع ازدواج با محارم اینروزها به شدت تکذیب و برای توجیه و تحریف آن کوشش‌های زیادی می‌شود، اما منابع و اسناد مکتوب زرتشتی و غیر آن بسیار فراوان‌تر از آنند که جایی برای تردید باقی بماند. سراسر بخش مفصل و طولانی هشتادم از کتاب سوم «دینکرد» به بحث در این باره پرداخته و جزئیات آنرا به دقت بازگو کرده است.

جزئیاتی مانند حق الارث دختری که در عین حال زن پدر خود نیز هست و موارد دیگر. (دینکرد، کتاب سوم، ترجمه فارسی از فریدون فضیلت؛ ترجمه انگلیسی از م. شکی؛ همچنین در زمینه ازدواج با محارم در دین زرتشتی بنگرید به گفتاری از جلیل دوستخواه.)

### مجازات زنان به خاطر گناه مردان

در دین زرتشتی عصر ساسانی مجازات زنان نه تنها بخاطر گناه خودشان، که حتی بخاطر جرم و گناهی که مردان مرتکب شده بودند، امری متداول بود و به سخت‌ترین و باورنکردنی‌ترین شکل ممکن اجرا می‌شد. در نمونه‌ای از این مجازات‌ها که در اوستا آمده است، چنین مقرر شده که چنانچه مردی سگ‌آبی را چنان بزند تا بمیرد، می‌باید برای مجازات و کفاره گناهش، یکی از خواهران یا دخترانش را به خزانه موبدان و یا به خود موبد واگذار کند (احتمالاً برای مدتی موقت و نه دائمی). این خواهر یا دختر می‌بایست باکره و پانزده‌ساله باشد تا موبد او را به خود بپذیرد.

نوع دیگری از مجازات‌ها سبک‌تر است و برای نمونه عبارت است از: تقدیم خوراک کباب به هجده نفر از موبدان یا تقدیم تعدادی رختخواب با زیرانداز و روانداز و بالش به آنان. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: رضی، هاشم، دانشنامه ایران باستان، ج ۴، ص ۲۴۴۷ و ۲۴۴۸؛ همو، ترجمه و شرح وندیداد، ج ۳، ص ۱۴۳۴ و ۱۴۶۳).

### عدم مالکیت زنان

زن در دین زرتشتی عصر ساسانی فاقد شخصیت حقوقی است و چنین حقی در متون دینی و حقوقی زرتشتی از او سلب شده است. به عبارت دیگر، زن یک انسان دارای حق شناخته نمی‌شد، بلکه همچون دیگر کالاها و برده‌ها و دارایی‌های مرد، یکی از اموال و اجناس او به حساب می‌آمد. زن «شیئی» بشمار می‌رفت که همواره می‌بایست به کسی «تعلق» داشته باشد و شایستگی آنرا نداشت تا شخصاً سرپرستی خود را عهده‌دار شود و صاحب اموالی باشد. او از هر لحاظ تحت سرپرستی و قیمومیت پدر یا شوهر بود و چنانچه



شوهر و پدرش را از دست داده بود، همچون اطفال صغیر برای او قیمی معین می‌گردید. به موجب متون حقوقی زرتشتی (و از جمله «مادیان هزار دادستان»)، تمامی دسترنج زن که حاصل کار و فعالیت او باشد، متعلق به شوهر و یکی از دارایی او است و مرد می‌تواند به هر نحو دلخواه در آن تصرف کند و آنرا به مصرف برساند. همچنین هرگونه هدیه‌ای که زن دریافت می‌کرده، متعلق به شوهر دانسته می‌شد. از آنجا که زن دارای شخصیت و هویت حقوقی به عنوان یک انسان نبوده، در نتیجه همچون بردگان نمی‌توانسته حق مالکیت چیزی را و حتی شخص خودش را داشته باشد.

به همین سبب که زنان زرتشتی عصر ساسانی فاقد شخصیت حقوقی بوده و حتی مالک تن خویش نیز نبوده‌اند، تجاوز جنسی به آنان فاقد معذورات شرعی و ممنوعیت‌های قانونی بوده و شخص متجاوز، به نفس عمل خود مرتکب گناه یا جرمی نمی‌شده و مؤاخذه و مجازات نمی‌گردیده است. بنا به احکام شرعی زرتشتی، تجاوز به زنان بی‌سرپرست عملی مجاز و مباح دانسته می‌شده و زنان وظیفه داشته‌اند تا برای جلوگیری از چنین پیشامدهایی به ملکیت و قیمومیت مردی در آیند. تجاوز به زنان تنها در صورتی جرم به حساب می‌آمده که زن به یک مرد متعلق بوده و «ولی شرعی» داشته باشد. در این صورت، شخص خاطی نه به دلیل «تجاوز به یک زن» که به دلیل «تجاوز به حق مالکیت یک مرد» مجازات می‌شده است. نام نبردن از زن و خطاب نکردن او و استفاده از اصطلاحاتی دیگر بجای نام و هویت او، یک سنت و عادت بازمانده از دین زرتشتی عصر ساسانی است. در سراسر متن فقهی و حقوقی «مادیان هزار دادستان» و منابع مکتوب مشابه آن، هیچ زنی با نام خود خطاب نشده و زن همیشه عیال دائمی، همسر موقت، همسر استیجاری، دختر، خواهر، همشیره یا برده یک مرد بوده است. چنانکه در کتیبه‌های سلطنتی هخامنشی نیز از هیچ زنی یاد نشده است. این رویه نه از جهت حفظ حرمت و حجب و حیای زنان، بلکه به این دلیل بوده که زن در دین زرتشتی فاقد هویت و شخصیت حقوقی مستقل بوده و نیازی نبوده تا نام او بطور مستقل از مرد برده شود. زن همیشه و در هر حال و در هر سنی باید تحت سرپرستی یک مرد باشد و هویت او

منحصراً در پیوند با یک مرد معنا می‌یافته است. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: بارتولومه، کریستیان، زن در حقوق ساسانی، ۱۳۳۷، ص ۴۰ و اغلب صفحات دیگر؛ متن اوستایی و نندیداد، ترجمه و شرح هاشم رضی، جلد سوم، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹۴).

### فروش فرزندان توسط مرد

در فقه زرتشتی امکان واگذاری فرزند به بردگی ممکن بوده و اختیار چنین تصمیمی با پدر بوده است. این بجز اجازه شرعی برای تولید برده از طریق اجاره دادن زن و فروش فرزندان او بوده است. (بنگرید به متن پهلوی زرتشتی: مادیان هزار دادستان (هزار رای حقوقی)، ترجمه سعید عریان، ۱۳۹۱، ص ۱۷۴).

### ازدواج اجباری با محارم

در فتوای بیستم از مجموعه فتاوی موبد آذرفرنبغ فرخزادان از او سؤال شده است که اگر دختر یا خواهر مردی به ازدواج با او رضایت و موافقت نداشته باشند، آیا مرد می‌تواند به زور آنان را زن خود کند؟ موبد پاسخ می‌دهد که مرد را نمی‌توان وادار به ازدواج کرد ولی زن را می‌توان به زور وادار کرد. بخصوص اگر خواهر یا دختر باشد که هم می‌توان آنان را به زور به زنی گرفت و هم ثواب ازدواج با محارم را دارد. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به متن پهلوی: روایت آذرفرنبغ فرخزادان، ترجمه حسن رضائی باغبیدی، ۱۳۸۴، ص ۱۶).

در متون پهلوی و متون فقهی دین زرتشتی اصطلاحی به نام «خویدوده» دیده می‌شود که اغلب دانشمندان و پژوهشگران دین زرتشتی و مترجمان پهلوی آنرا به معنای «ازدواج با محارم/ ازدواج با نزدیکان» گرفته‌اند (از جمله بنگرید به گفتاری از استاد جلیل دوستخواه: «خویدده/ خویدودس، رازواره‌ای در آموزه‌ی پسین زرتشتی»). در باره خویدوده از جمله در کتاب‌های زرتشتی «روایت پهلوی»، «مینوی خرد»، «روایت آذرفرنبغ فرخزادان»، «ارداویراف‌نامه»، «دینکرد»، «دادستان دینی»، «روایات داراب هرمزد» و «زادسپرم» سخن رفته است. به موجب این متون، خویدوده پدر و دختر، خویدوده مادر و

پسر، و خویدوده برادر و خواهر از شایسته‌ترین و مهمترین دستورات دینی زرتشتی و بزرگ‌ترین ثواب‌ها است که اجرای آن موجب رسیدن سریع‌تر به بهشت، و اختلال در اجرای آن جزو بزرگترین گناهان دانسته می‌شده است (مینوی خرد، بخش ۳۵ و ۳۶؛ روایت پهلوی، فصل هشتم).

آذرفرنبغ (موبد بزرگ زرتشتی) در فصل هشتم از کتاب سوم دینکرد، خویدوده را سنتی برگرفته از آمیزش اهورامزدا با دخترش سپندارمذ می‌داند که مشی و مشیانه (نخستین آدمیان و نخستین برادر و خواهر) آنرا ادامه دادند تا به نسل همه مردمان گیتی برسد. او هرگونه آمیزش به غیر از روش خویدوده را با آمیزش گرگ و سگ، و آمیزش اسب و خر مقایسه می‌کند که محصول جفت‌گیری آنها از نظر نژادی پست و فرومایه خواهد شد. این نکته‌ای است که مورد توجه و تأکید زادسپرم (پیشوای بزرگ زرتشتیان) نیز قرار گرفته و در بخش بیست و ششم کتاب گزیده‌های زادسپرم، خویدوده را موجب تولید نسل پاک دانسته است.

آذرفرنبغ هر کس را که با خویدوده مخالفت ورزد و آنرا سبک بشمارد، از تبار دیوان و دشمنان مردم می‌داند. (همچنین بنگرید به: «آیین مزدک به روایت دینکرد: تنها متن بازمانده از گفتگوی مزدکیان با روحانیت زرتشتی»). او همچنین در پاسخ به مخالفان خویدوده و برای توجیه و تبلیغ دینی و ذکر محاسن آن، یادآور شده است که آیا بهتر نیست اگر زخمی در آلت مادر یا خواهر یا دختر وجود داشته باشد، پدر یا پسر یا برادر آنرا ببینند و بر آن دست برند و مرهم نهند؟

در فصل هشتم از متن «روایت پهلوی» برای تشویق مردم به اجرای خویدوده چنین توجیهی را آورده‌اند که اهورامزدا به زرتشت دستور اجرای خویدوده را می‌دهد و می‌گوید این کاری است که من با دخترم سپندارمذ انجام دادم و مشی نیز با مشیانه انجام داد.

در فصل ۸۶ از متن پهلوی ارداویراف‌نامه به زنان هشدار داده شده است که چنانچه از خویدوده خودداری کنند و آنرا سبک بشمارند، وارد دوزخ خواهند شد و در آنجا مارهای بزرگی وارد اندام تناسلی‌اشان خواهد شد و از دهانشان بیرون خواهد آمد.

به موجب فتوای بیستم از مجموعه فتاوی موجود در کتاب «روایت آذرفرنبغ فرخزادان» اگر دختر یا خواهر مردی به خویدوده با او رضایت و موافقت نداشته باشند، مرد می‌تواند از زور استفاده کند و زن را وادار به اینکار کند.

چنین تهدیدهایی نشانه آنست که عموم مردم از این دستور دینی رویگردان بوده‌اند و موبدان می‌کوشیده‌اند تا با نسبت دادن خویدوده به اهورامزدا و زرتشت و بیان تشویق از یکسو و تهدید از سوی دیگر، مردم را وادار به انجام آن کار کنند. نشانه دیگری از رویگردانی مردم این است که در پایان بخش هشتم از کتاب روایت پهلوی، زرتشت به اهورامزدا می‌گوید: «این کار سخت و دشواری است و چگونه می‌توانم خویدوده را در میان مردم رواج دهم؟» و اهورامزدا جواب می‌دهد: «به چشم من نیز چنین است، اما وقتی کردار نیک باشد، نباید دشوار و سخت باشد. به خویدوده کوشا باش و دیگران را نیز کوشا کن.»

اما نکته قابل توجه اینکه با توجه به برخی شواهد، به نظر می‌رسد که منظور از خویدوده منحصرأ «ازدواج با محارم» نیست و معنای «همخوابگی با محارم» را نیز می‌دهد. چه به شکل ازدواج باشد و چه به شکل هم‌بستری‌های موردی یا مکرر. به این عبارت‌ها که در فصل هشتم کتاب روایت پهلوی آمده است، توجه کنیم و ببینیم آیا این توصیه‌های دینی مفهوم «ازدواج» را می‌رساند یا مفهوم «همخوابگی» را:

«اگر مردی یک خویدوده با مادر و یکی نیز با دخترش کند، آنکه با مادر بوده، برتر از دختر است.» «اگر با دختر و خواهرش خویدوده کرده باشد، آنکه با دختر بوده، برتر از آنست که با خواهر بوده باشد.» «اگر پدری با دختر حلال‌زاده و تنی خودش خویدوده کند، برتر

است؛ اما اگر با دختر نامشروع خودش که محصول آمیزش با زن دیگران بوده باشد، خویدوده کند، باز هم ثواب می‌برد». «روزی جمشید با خواهرش جمک بخوابید و از ثواب این همخوابگی بسیاری از دیوان بشکستند و بمردند». «اهورامزدا به زرتشت گفت که خویدوده بهترین و برترین کارها است. کسی که یکبار نزدیکی کند، هزار دیو می‌میرد؛ اگر دوبار نزدیکی کند، دو هزار دیو می‌میرد؛ اگر سه بار نزدیکی کند، سه هزار دیو می‌میرد؛ اگر چهار بار نزدیکی کند، مرد و زن رستگار خواهند شد». «پسر به مادر و پدر به دختر و برادر به خواهر باید بگوید که تن خود را برای آمیزش کردن به من بده تا اهورامزدا را خشنود کنیم و جای نیکی در بهشت بیابیم».

عبارات بالا و بخصوص انجام چندین باره خویدوده توسط یک شخص بر روی مادر و خواهر و دختر خود، نشان می‌دهد که منظور از خویدوده در دین بهی زرتشتی «زدواج با محارم» نیست، بلکه «همخوابگی و آمیزش با محارم» است. (ر.ک: آذرفرنبغ پسر فرخزاد، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۴۳ تا ۱۵۲؛ ارداویراف‌نامه، فیلیپ ژینیو، ۱۳۸۲، ص ۹۱؛ روایت آذرفرنبغ فرخزادان، حسن رضائی باغبیدی، ۱۳۸۴، ص ۱۶؛ روایت پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹ تا ۲۲۹؛ زادسپرم، گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۶۶، ص ۳۷؛ مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، ۱۳۸۰، ص ۵۰ تا ۵۲).

### وظایف زن در قبال شوهر

یکی دیگر از این منابع که می‌تواند اطلاعاتی در این باره بدهد، کتاب «روایت پهلوی» است. چکیده مضمون آنچه در باره وظایف زن در قبال شوهر در این کتاب آمده، عبارت است از:

دختر را از سن ۹ سالگی می‌توان شوهر داد و در ۱۲ سالگی نزدیکی با او جایز است. چنانچه زن از این خواست مرد تمکین نکند، مرگ ارزان (مستحق اعدام) می‌شود (ص ۲۸۷). فرمانروایی مرد بر زن چنین است که مرد هر فرمایشی داشته باشد، زن باید انجام

دهد. اگر زن به این سبب بر شوهر خود گله کند، نسبت به او بی‌احترامی کرده است (ص ۲۸۸). اگر زن بمیرد، هر چیزی که مرد به او داده بوده است، مجدداً متعلق به مرد می‌شود. اما اگر مرد بمیرد، هیچ مقدار از اموال و دارایی‌های مرد به زن تعلق نمی‌گیرد (ص ۲۸۸). اگر زنی سه بار به شوهر خود بگوید «من زنی تو نمی‌کنم»، مرگ ارزان می‌شود (ص ۲۸۸). اما اگر مرد از آسیب به تن یا روان خویش یقین داشته باشد، می‌تواند زن را طلاق دهد. از شرایط حاصل شدن یقین این است که زن دستان ماهانه را از شوهر پنهان کند (ص ۲۸۹). چنانکه پیش از این در باره نداشتن شخصیت حقوقی زن در دین زرتشتی گفته شد، زن در هر صورت و در هر سنی می‌بایست سرپرست و قیم داشته باشد. این قیم می‌توانسته پدر، شوهر و یا کس دیگری باشد که دستگاه دینی-قضایی زرتشتی برای او معین می‌کرده است.

به نظر می‌رسد متن فقهی روایت پهلوی در قیاس با فتاوی آذرفرنبغ فرخزادان حقوق بیشتری برای زنان قائل شده است؛ چرا که آذرفرنبغ شوهر دادن دختر سه ساله را نیز به رسمیت شناخته است. (بنگرید به: روایت پهلوی، مهشید میرفخرایی، ۱۳۹۰؛ کریستیان، زن در حقوق ساسانی، ۱۳۳۷).

در دین زرتشتی دختر موظف بود حداکثر تا سن ۹ سالگی (و ترجیحاً قبل از آن) با شوهری که برایش انتخاب می‌شد، ازدواج کند و اگر به مدتی طولانی از اینکار سرباز می‌زد و زندگی بدون شوهر را ترجیح می‌داد، باید کشته می‌شد. به موجب فتاوی سیزدهم و فتاوی چهاردهم از مجموعه فتاوی موبد آذرفرنبغ فرخزادان، چنانچه دختری قبل از سن ۹ سالگی شوهر می‌کرد، پس از رسیدن به این سن می‌توانست از پیمان ازدواج پشیمان گردد و با رضایت شوهر به شخص دیگری شوهر کند؛ اما چنانچه در سن ۹ سالگی شوهر می‌کرد و از ازدواج خود پشیمان می‌شد، مجازات سختی در انتظار او بود و می‌بایست به قتل برسد. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به «حقوق زنان در دین زرتشتی»؛ و متن پهلوی

روایت آذرفرنبغ فرخزادان، ترجمه حسن رضائی باغبیدی، ص ۹ تا ۱۱؛ دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳-۱۷۵)

### جمع بندی و نتیجه گیری

نگاره‌های بازمانده از عصر ساسانی نیز از نگاه رایج ساسانیان به زن حکایت می‌کند. در حالیکه نگاره‌های زنان پیش از تاریخ، عیلامی و اشکانی، با انبوهی از نقش‌های زنانی با شکوه و قدرتمند به دیده می‌آید، بر نگاره‌های ساسانی که بر جام‌ها و موزائیک‌ها بر جای مانده است، زن تنها موجودی است که وظیفه خوشگذرانی و بزم و ساز و آواز مردان را بر عهده دارد. پدیده‌ای که شاهنامه فردوسی نیز به آن اشاره دارد و نام‌های زنان در عصر ساسانی شاهنامه بر خلاف پیشینیان پر افتخار خود همچو فرانک و گردآفرید و منیژه، از شمار فراوانی معشوقگان درباری تشکیل شده است. متن پهلوی «خسرو قبادان و ریدگی» نیز ویژگی‌های یک زن خوب از دید خسرو را باز می‌گوید. ویژگی‌هایی که در اندام و جاذبه‌های زنانه خلاصه می‌شوند. (متون پهلوی، سعید عریان، ص ۸۲).

لازم به یادآوری است که جایگاه زن ساسانی در این نوشتار به هیچ وجه به معنای رواج فراگیر آن در تمام دوران ساسانی و در همه سرزمین ایران، و نیز نادیده انگاشتن برخی فرصت‌های برتر زن ساسانی و حقوق او در مقایسه با جوامع دیگر نیست. منظور بیان نمونه‌هایی بود تا در چنین بررسی‌هایی به جوانب دیگر نیز پرداخته شود. اینها شیوه‌های رسمی و غالب دستگاه دینی زرتشتی ساسانی است که بعید است بطور فراگیر در میان همگان مقبولیت یافته باشد و همچنین هیچ نقطه‌ضعفی برای جامعه زرتشتی بشمار نمی‌آید. نگارنده بر این گمان است که زرتشتیان خود بیش از دیگران از سخت‌گیری‌ها و خشونت‌ها و قوانین فقهی ساختگی موبدان ساسانی آسیب دیده‌اند. قوانین و مقررات که هیچ ارتباطی با زرتشت نداشته و تنها از نام پر آوازه او برای پیدایی و رواج دینی به نام او سوءاستفاده کرده بوده‌اند.

چنانچه این منابع بسیار فراوان را نادیده بگیریم و حقوق و جایگاه زن عیلامی و اشکانی را با زن ساسانی به یک اندازه بستاییم، نه تنها تحریف تاریخ و دوری از واقعیت‌های تاریخی، که نادیده انگاشتن کوشش عیلامیان و اشکانیان (پارتیان) برای دستیابی به جامعه‌ای برتر، و نیز پایمال کردن رنج‌ها و مصائب زن زرتشتی ساسانی است. انسانی دانستن حکومت و روحانیانی که خود را نماینده خدا بر روی زمین می‌دانسته‌اند و رفتار غیر انسانی‌اشان موجب تباهی و آسیب به فرهنگ و تمدن و هنجارهای زندگانی مردمان شده است، ظلمی بزرگ در حق رنج‌کشیدگان است.

یادآور می‌شویم که این دین در زمان ایجاد خود در اوایل عصر ساسانی، «بهدینی» خوانده می‌شده است؛ اما در سده گذشته نام دین زرتشتی را بر آن نهاده‌اند. با این حال زرتشتیان سنتی کماکان همکیشان خود را با نام «گاوآرونی / گابارونی» (منسوب به «گبر») خطاب می‌کنند. این دین ارتباطی با شخص زرتشت ندارد.

به هر روی در مجموعه تراث زرتشتی جایگاه و حقوق زنان از پایین‌ترین شان برخوردار است و اصول و سخنانی که از سوی بزرگان این دین مطرح شده است بر تحقیر و فروکاستن مقام زن دلالت دارد.

## منابع

فضیلت، فریدون (مترجم)، آذرفرنبغ پسر فرخزاد، دینکرد، کتاب سوم، جلد یکم، تهران،

۱۳۸۱

ژینیو، فیلیپ، ارداویراف‌نامه، ترجمه ژاله آموزگار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲،

رضائی باغبیدی، حسن (مترجم)، روایت آذرفرنبغ فرخزادان، تهران، ۱۳۸۴.

میرفخرایی، مهشید (مترجم)، روایت پهلوی، تهران، ۱۳۹۰.

زادسپر، گزیده‌های زادسپر، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران، ۱۳۶۶.



تفضلی، احمد (مترجم)، مینوی خرد، ویرایش سوم، تهران، ۱۳۸۰.

بارتولومه، کریستیان، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین صاحب‌الزمانی، تهران، ۱۳۳۷.

دریایی، تورج، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ۱۳۸۳.

متن اوستایی وندیداد، ترجمه و شرح هاشم رضی، جلد سوم، تهران، ۱۳۷۶.

مادیان هزار دادستان (هزار رای حقوقی)، ترجمه سعید عربان، تهران، ۱۳۹۱.

کامبخش‌فرد، سیف‌الله، معبد آناهیتا- کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی، تهران، ۱۳۷۴.

وندیداد، در مجموعه اوستا، گزارش جلیل دوستخواه. تهران، ۱۳۶۸.

غیبی، بیژن، خرده مقالات، چاپ آلمان، بی نا، بی تا.